

تهران: شهری شبه استعماری

فریاد جواهریان*

بنابراین یا محور جاده پهلوی غرب‌تر از این خندق قرار داشته است و خارج از محدوده دارالخلافه ناصری بوده و یا پلی روی این خندق احداث شده است، گمانه‌زنی‌هایی که در مقاله «تاریخ جاده پهلوی» بررسی خواهد شد (شماره آینده مجله «معماری و ساختمان»).

در همین زمان که شهر تهران به سوی شمال، خارج از دیوار ناصری رشد می‌کرد و جاده‌ها براساس شبکه‌ای هندسی و منظم احداث می‌شدند، قسمت‌های جنوب تهران و اطراف بازار نیز با همان نظام پیچ و خم‌دار کوچه پس‌کوچه‌های شرقی - نظامی که آن را «زولبیائی» می‌نامم - رشد بسیاری کرد. پس می‌توان ادعا نمود که هرچند تهران هرگز تحت سلطه حکومت‌های استعماری قرار نگرفت، اما از لحاظ شهرسازی به صورت شبه استعماری شکل گرفت و شبکه‌های منظم و قائم محله‌های شمالی تهران از اواخر همین دوره آغاز به ظهور کردند. «مehوش عالمی» در مقاله «نقشه ۱۸۹۱ تهران: دو شهر، دو مرکز، دو فرهنگ» به این نتیجه می‌رسد که از دهه ۱۲۷۰ ش. به بعد، دو شهر تهران به وجود آمده است؛ شهر اروپائی‌مآب در شمال و شهر شرقی در جنوب. اما تاریخ شهرسازی نشان می‌دهد که همه شهرهای قرون وسطی‌ای اروپا به همین شکل رشد نمودند: یه هسته مرکزی زولبیائی و سپس شبکه‌های هندسی منظم. در مورد شهرهای کشورهای اسلامی که مستعمره اروپائی‌ها گردیدند، این امر حتی چشمگیر است، زیرا که هسته مرکزی یا «مدینه» از مرکز شهرهای اروپائی بسیار زولبیائی‌تر بوده است، همانطور که در نقشه شهر تونس، می‌بینیم.

بهترین مثال احداث چنین شبکه‌ای را در دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد و سرازیر شدن آمریکائی‌ها به تهران می‌توان دید. آمریکائی‌ها محله دروس را بسیار خوش آب و هوا یافتند و اکثر زمین‌های دروس را که تا آن زمان گندم‌زار و باغات آنرا تشکیل می‌داد، خریداری نمودند.

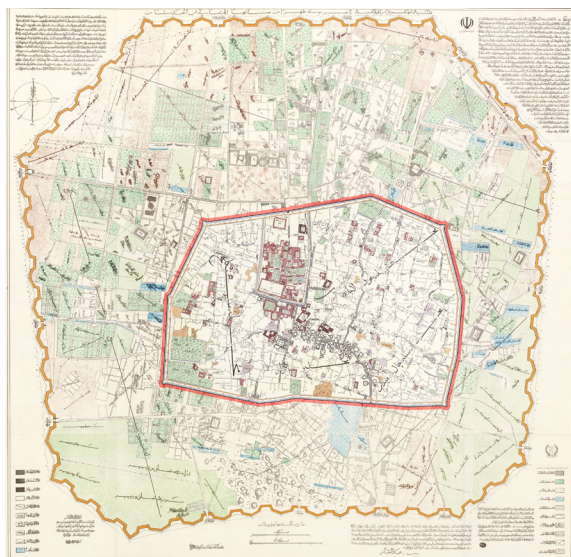
«آل احمد» در خاطراتش می‌نویسد که سیزده‌به‌در را در «چاله هرز» - همین «بلوار شهرزاد» کنونی دروس - سپری می‌کردند. شبکه‌ای که آمریکائی‌ها در محله «دروس» پیاده نمودند، دقیقاً با تناسبات شبکه شهر نیویورک قابل قیاس است: محورهای شمالی - جنوبی بسیار کوتاه و محورهای شرقی - غربی طولانی. «دروس» یکی از منظم‌ترین محله‌های مسکونی تهران است.

بنابراین می‌بینیم که علی‌رغم اینکه ایران هرگز مستعمره کشورهای خارجی نبوده است، از بسیاری لحاظ تحت تاثیر حضور خارجی‌ان در ایران به غرب‌زدگی دچار شده است. در گفتگو با دکتر «محیط طباطبائی» راجع به تاثیرگذاری حضور خارجی‌ان بر الگوهای شهرسازی در ایران، ایشان فرمودند که در گذشته، شهرهای ایران هرگز دو قطبی نبوده‌اند، همیشه غنی و فقیر در کنار هم در همه محله‌ها سکنا داشتند. پس از طرح‌ریزی محله‌های جدید آبادان توسط انگلیسی‌ها، الگوئی شهرسازی ما تغییر نمود و بین محله‌های اعیان‌نشین و فقیرنشین تفکیک صورت گرفت، الگوئی که سپس به سایر شهرهایمان سرایت یافت.

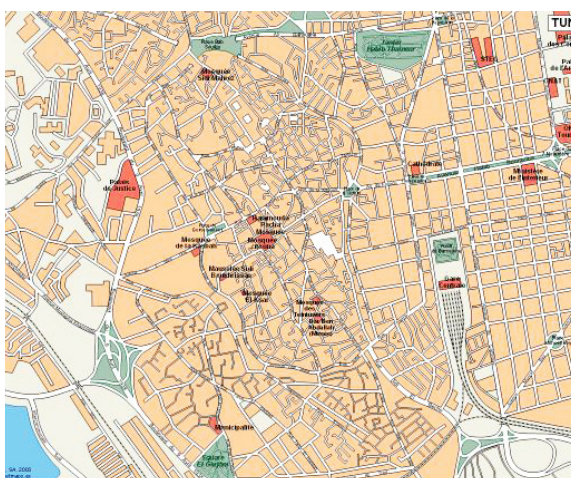
به نظر می‌رسد که تهران از سال ۱۲۵۱ ش، واقعا به پایتخت تبدیل شد، زیرا «ناصرالدین شاه» طی دو سال ۱۲۴۹ و ۱۲۵۰ دیوارهای دوره صفوی تهران را تخریب نمود و سطح شهر را از سه مایل و نیم به هفت مایل مربع گسترش داد. «ناصرالدین شاه» ساخت حصار پایتخت را به یک مهندس فرانسوی به نام «بولر» واگذار کرد و این امر نشان می‌دهد که تا چه حد حکومت در حوزه شهرسازی تحت تاثیر اروپائی‌ها بوده است. جهت تاسیس دارالخلافه ناصری و احداث برج و باروهای جدید، لازم شد تا نقشه‌ای دقیق از تهران تهیه شود. این نقشه توسط «سلیمان خان» و زیر نظر «عبدالغفار نجم‌الملک»، معلم ریاضیات دارالفنون، ترسیم شد و تهیه آن بیست سال به طول انجامید. «مehوش عالمی» به این نکته اشاره می‌کند که تهیه چنین نقشه‌ای علمی از تهران، خود رویدادی مدرن و غرب‌زده محسوب می‌شود.

پس از امضای قرارداد «ترکمن‌چای» و به سبب سرازیر شدن انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، آلمانی‌ها و روس‌ها به تهران - که از قبل نیز در ایران حضور داشتند - و از سوی دیگر به علت وجود اراده شبیه‌سازی کردن تهران به پایتخت‌های اروپایی در دوران «ناصرالدین شاه»، با ساخت موسسات اروپائی جدیدی نظیر سفارت‌خانه‌ها، بیمارستان‌ها، بانک‌ها، تلگراف‌خانه، هتل‌ها و ... چهره شهر به سرعت دگرگون شد. ساخت سفارت‌ها در دهه ۱۲۶۰ صورت گرفت و اکثر آنها در محور شمالی ارگ، در خیابان «اعلاء» جانمایی شدند، خیابانی که نامش در ابتدا «امین السلطان»، سپس «بلوار سفرا» بوده و اکنون «فردوسی» است. سفارت‌های انگلیس، روسیه، فرانسه، آلمان و ترکیه هنوز هم در جوار همین محور قرار دارند و از آنجا که «ناصرالدین شاه» باغ‌های بسیار وسیعی در شمیرانات به سفرای این چند کشور واگذار نمود، خارجی‌ها برای خود اقامتگاه تابستانی باشکوهی در این باغات احداث کردند: انگلیسی‌ها در ده «قلهک»، روس‌ها در ده «زرگنده»، فرانسوی‌ها در «تجربش»، اتریشی‌ها در ده «رستم‌آباد» و بالاخره آلمانی‌ها و ترک‌ها در ده «الهیة». این باغ‌های وسیع و باصفا هنوز هم وجود دارند، به جز باغ فرانسوی‌ها که خیلی زود آن را از دست دادند (فروختند؟ واگذار کردند؟ پس گرفته شد؟)، رفت و آمدهای مکرر بین سفارت‌خانه‌ها (خیابان «فردوسی») و اقامتگاه‌های تابستانی که حداقل هفت یا هشت ماه از سال مورد استفاده قرار می‌گرفت، باعث شد جاده‌های سراسری از هسته مرکزی شهر به شمیرانات ساخته شود. طبق اسناد تاریخی، «جاده قدیم شمیران» از اوایل دوره قاجار وجود داشته است، هر چند که جاده‌ای خاکی و کالسکه‌رو بود. بنابراین خارجی‌ها هم از همین جاده برای دسترسی به «قلهک»، «رستم‌آباد» و «تجربش» استفاده می‌نمودند، اما دسترسی به «زرگنده» و «الهیة» آن‌ها را واداشت تا جاده‌ای مستقیم‌تر تعبیه کنند، زیرا با آن ذهنیت عقلانی و منطق‌گرای آلمانی، جاده‌های پیچ در پیچ اصلاً سازگار نبود.

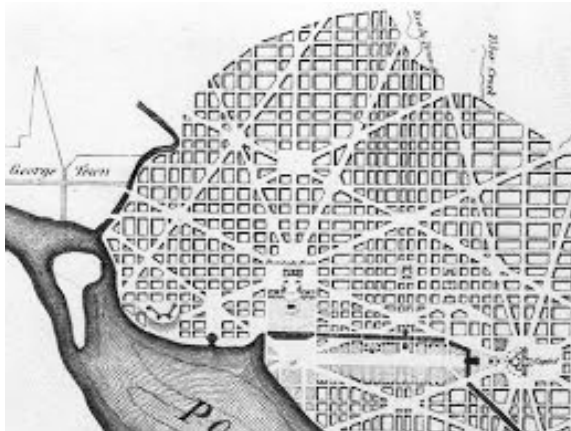
مدارک تاریخی و نقشه‌ها نشان می‌دهند که قسمت جنوبی جاده «پهلوی»، (خیابان «ولی‌عصر» کنونی) از ۲۰۰ سال پیش وجود داشته است و دیوار و خندق شمالی ناصری دقیقاً بر روی محور خیابان انقلاب کنونی قرار داشته است؛



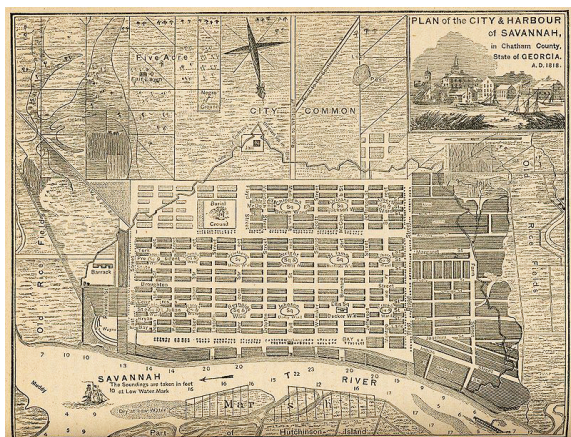
تصویر شماره ۱: نقشه ارگ کریتیش داخل نقشه عبدالغفار



تصویر شماره ۲: شهر تونس



تصویر شماره ۳: طرح جامع پایتخت ایالات متحده آمریکا



تصویر شماره ۴: شهر ساوانا

جالب است بدانیم که اکثر خارجی‌های نقل شده در این مقاله، چنین برداشتی از حضور خود در ایران و به ویژه تهران ندارند. آن‌ها بیشتر به این مسئله اشاره می‌کنند که این اراده خود شاهنشاه (ناصرالدین شاه) بود که می‌خواست تهران را از طریق غرب‌زدگی مدرنیزه کند. اکثراً نگاهی تمسخرآمیز به غرب‌زدگی تهران دارند و واقعاً نمی‌دانم چرا "مهوش عالمی" با این نقل‌قول مقاله خود را تمام می‌کند: "[تهران] نمونه شهری مشرق زمینی که غفلتاً بر خود روکشی غربی کشیده و همان قدر غریب می‌نماید که کسی با ولنگاری جامه نو و بدن‌نمایی را روی لباسی ژنده بپوشد." نمی‌دانم این چه نوع نگاهی است که هرچه از غرب می‌آید باید بهتر از آنچه خودمان داریم، باشد. هرچند که در مورد شبکه منظم شهرهای اروپائی و آمریکائی، طنز بسیار تلخی نهفته است، چرا که این شبکه هندسی خود مدیون الگوی باغ ایرانی است. یعنی غربی‌ها نظم هندسی شبکه ۹۰ درجه (grid) را از الگوی باغ ایرانی گرفته‌اند. "مقتدر" مدعی است که "لئونوتر"، طراح ورسای با نقشه "باغ فرح‌آباد" اصفهان آشنا بوده است.

طرح جامع پایتخت ایالات متحده آمریکا را "ژرژ لانفان" فرانسوی ترسیم نمود و هندسه آن کاملاً شبیه نقشه ورسای است.

اکثر شهرهای آمریکائی براساس چنین شبکه‌ای طرح‌ریزی شدند و قدیمی‌ترین نمونه آن که بسیار شبیه الگوی باغ ایرانی است، شهر ساوانا در ایالت جورجیا است که در سال ۱۷۳۳ توسط "اوگلتورپ" ترسیم شد.

آخرین استدلالی که به تر "شبه استعماری" بودن تهران صحه می‌گذارد، این است که نخستین طرح جامع تهران با همکاری معماری آمریکایی - اتریشی، "ویکتور گروئن"، تهیه شد (۱۳۴۷ - ۱۳۴۳ ش.).، یعنی افسون‌زدگی ما برای دانش غربی هنوز به پایان نرسیده است، هرچند که "نادر اردلان" به خاطر دارد که تمامی نقشه‌های طرح جامع تهران، در دفتری مشترک بین "عزیز فرمانفرمایان" و "گروئن" ترسیم شدند، دفتری که "فریدون غفاری" مدیریت می‌نمود و روبروی دفتر فرمانفرمایان قرارداشته و این خود امتیاز مهمی است زیرا که معماران ایرانی با سلیقه و فرهنگ ایرانی این نقشه‌ها را ترسیم نمودند. اما بدون شک نقشه شهری که توسط خارجیان طراحی شد، وسیله‌ای بود برای دگرگونی شهر و جامعه بسوی الگوئی غرب‌زده.

نکته جالب راجع به "ویکتور گروئن" این است که او مخترع الگوی "شاپینگ مال" بود، الگوئی که در دهه ۱۹۵۰ در آمریکا ظاهر شد و به سرعت در همه جای دنیا رواج پیدا کرد. اکنون که این الگو در آمریکا در حال انقراض است، زیرا مردم بیشتر و بیشتر با اینترنت خرید می‌کنند، تازه در شهرهای ما رواج پیدا کرده است... انگار که الگوی بازار خودمان کفایت نمی‌کرده است! نمی‌دانم چرا باید همه چیز از غرب بیاید تا پسندیده شود. به قول "داریوش آشوری" تا اواسط قرن بیستم، غربی‌ها به ما ایرانی‌ها بصورت "شرقی" نگاه می‌کردند، چطور شد که یکباره از "شرقی" به "جهان سومی" تبدیل شدیم؟